

## سال نو مبارک

سال نو مبارک ای سوخته در زنجیر بربریت و جهالت  
سال نو مبارک ای دخت افغان  
بسوز!  
تو بسوز!  
تا شاد شوند سغله گان تاریخ  
تو بسوز تا شاد شوند خود فروخته گان  
این روسپیان مذهبی  
که با تاجی از خار بتماشای تو استاده اند  
اینان که هر شب بخيال حوریان بهشت  
ترا پامال میکنند  
این فاحشه های روانی  
با خون بیگناهی تو تسکین میابند  
بگذار بنوشند جام خونین آرزو هایت را  
آه . . . که یکبار دگر لکد کوب جهالت اینانی تو  
اینان که بجای اندیشیدن به رهایی  
بجای اینکه اندیشند بروزگار بد و سیاه خویش  
مرگ ترا به تماشا نشسته اند  
اینان که هر شب بخيال روسپیان بهشت  
ترا بدار خواهشات شوم خود می آویزند  
تا شهوت دد منش مذهبی شان  
تسکین بیابد  
باز ترا یکبار دگر بر مجمر آتش و سنگ رقصاندند  
برقص عزیز من برقص  
دیوانه وار در در حلقه این مجانین برقص  
تو از درد برقص  
تا هوس شوم اینان تسکین یابد  
من در این آغاز سال نو  
لباس سیاهی بر تن میکنم  
و ترا به عزا مینشینم  
ای دخت افغان  
ای همیشه در زنجیر  
ای که لگدکوب جهالتی در سرزمین من  
تا سیاهی مذهب حاکم بر جان تست  
من سیاه پوش تو هستم  
ای اسیر در پنجه های کرگسان سیاه اندیش سیاه کردار  
سال نو مبارک  
سال نو مبارک  
سوما کاویانی  
۲۰۱۵/۰۳/۱۹

